بسم ربّنا الأعظم الأقدم العلیّ الأبهی

الحمد للّه الّذی جعل النّصرة فی حکمته البالغة و امر بها کلّ البریّة الّذین آمنوا باللّه مالک الأحدیّة انّه لهو الّذی رفع بفضله حکم السّیف و وضع مقامه حکم البیان الّذی به تضوّع عرف اسمه الرّحمن بین الامکان تعالی تعالی ربّنا الّذی لا یوصف بما عند العلمآء و اهل العرفان نعیماً لمن تمسّک بما امر به فی کتاب اللّه مالک الأدیان و تبّاً لمن نبذ الحکمة و البیان و اخذ بأهوائه ما منع عنه فی الزّبر و الألواح و طوبی لمن قام علی نصرة امر ربّه بالأخلاق و الأعمال یشهد الخادم انّه من اهل الفلاح فی کتاب اللّه مرسل الأریاح و الحمد للّه الّذی انزل من قلمه الأعلی ما انجذب به المخلصون فی ملکوت الانشآء و انزل لمحبّیه ما طارت به الأرواح

و بعد قد فاز الخادم بما ارسلته من قبل کأنّ به فتح باب السّرور فلمّا قرأت و عرفت و علمت قصدت المقام المحمود و عرضته تلقآء عرش ربّنا العزیز الودود اذاً نطق لسان العظمة بما عجزت عن ذکره الأقلام و النّفوس و انزل لکلّ اسم کان فی کتاب حضرتک ما فاحت به نفحات العنایة بین السّموات و الأرض یشهد بذلک لوح الأحباب الّذی انزله الوهّاب و ارسله الیک لتقرأ و تلقی علی الّذین اقبلوا الی الأفق الأعلی و فازوا بالاستقامة الکبری لعمر المحبوب لا یعادله شیء عمّا خلق فی الأرض و السّمآء یشهد بذلک مالک الأسمآء الّذی استوی علی العرش فی هذا المقام الکریم فلمّا کنت مشتغلاً بتحریر هذه الورقة احضرنی محبوب العالم و قال جلّ کبریائه و عزّ بیانه

بنویس بجناب عندلیب یا عندلیب باین کلمهٴ محکمهٴ متقنهٴ جامعهٴ مبارکه که از افق سماء کتاب الهی مشرق است ناظر باش و جمیع را بآن وصیّت نما که شاید بیقین کامل بدانند که نصرت امر الهی بسیف و جدال و نزاع و فساد نبوده و نیست و آن کلمهٴ مبارکه اینست که در صحیفهٴ حمرا از قلم اعلی ثبت شده قد رفعنا حکم السّیف و وضعنا مقامه حکم البیان طوبی لأهل العرفان الّذین تمسّکوا بما انزله الرّحمن فی الکتاب مع این کلمهٴ محکمهٴ متقنه مشاهده میشود که بعضی تا حین در شکّ و ریبند و باوهامات نفسانیّه در تفسیر کلمهٴ نصریّه مشغولند قل ما لکم لا تفقهون و لا تشعرون انّا وصّینا الکلّ بالرّأفة و الشّفقة و العنایة طوبی لمن فاز بمرادی و ویل للغافلین گویا ارادهٴ خود را مقدّم بر ارادهٴ حقّ میشمارند و یا آنچه از ملکوت بیان نازل آن را مزاح میدانند و یا نعوذ باللّه حقّ را عاجز و ضعیف مشاهده میکنند قل ویل لکم انّه لهو القویّ القدیر انّه لهو العزیز العظیم انّه لهو الغالب الحکیم انّه لهو القاهر فوق خلقه و هو بکلّ شیء علیم فاسأل اللّه بأن یؤیّد احبّائی علی الأعمال الحسنة و الأخلاق المرضیّة و ما حکم به کتاب اللّه النّاطق العلیم الخبیر امروز روز دیگر است و سماء دیگر مرتفع و بحر دیگر موّاج بقبل و بعد قیاس نشده و نخواهد شد بگو امروز آفتاب جود موجود و بحر عنایت امام وجوه در این هواء روحانی باجنحهٴ روح حرکت نمائید و از کدورات و اشارات و غبارهای حوادث روزگار خود را فارغ و مجرّد و مقدّس دارید پرهای بگل آلوده لایق طیران نبوده و قابل صعود نه یا عندلیب بگو امروز قلب منیر باید و صدر منشرح و بصر حدید شاید آنچه شنیده‌اید بگذارید و از آنچه می‌بینید حکایت نمائید انسان را شئونات انسانیّت لازم فآه آه الفاظ حمل این معانی ننماید و قلم خود را از مترجمی عاجز مشاهده کند الأمر بید اللّه مالک یوم الدّین الحمد له انّه ینطق بالحقّ و هو ارحم الرّاحمین یا عندلیب آنچه بعبد حاضر و جناب اسم جود علیهما بهائی از رسائل ارسال داشتی در ساحت اقدس عرض شد محض فضل حیّاً و میّتاً مخصوص جمیع نفوس مذکوره آیات بدیعهٴ منیعه نازل و ارسال شد انشآءاللّه بآن فائز شوند ذکر اللّه حیوة للأموات و عنایة للأحبّآء قدر این فضل را بدان و بشکر و حمد الهی ناطق شو طوبی للسانک بما انشد و لقلبک بما انشأ و لفکرک بما ظهر منه ابکار العرفان فی ثنآء اللّه مالک الحجّة و البرهان انتهی

عنایت الهی بآن محبوب و دوستان حقیقی واضح و مشهود است انشآءاللّه کل فائز شویم بآنچه لدی الوجه محبوب است آن جناب که الحمد للّه بثنای حقّ در ایّام الهی فائز گشتند جمیع عالم از عهدهٴ شکر این فضل اعظم عاجز بوده و هستند انشآءاللّه نفوس آن اراضی را بنار محبّت الهی مشتعل دارید کلمه‌ئی که از قلب فارغ ظاهر شود مؤثّر بوده و خواهد بود هذا ما سمعت من فم ارادة ربّی المبیّن الحکیم کل را از قبل این خادم فانی تکبیر برسانید و ذکر نمائید ای آقایان امروز روز بزرگ است جهد نمائید تا در این خرابهٴ فانیه آثار باقیه ودیعه گذارید تا فرصت باقی کل باید غنیمت شماریم و بآنچه لایق و سزاوار است مشغول گردیم آنچه الیوم فوت شود کی تدارک شود و که تدارک نماید ینبغی فی هذا الحین ان ینادی الخادم مولی العارفین و مقصود من فی السّموات و الأرضین و یقول

یا اله العالم و مقصود الأمم اسألک بالاسم الّذی به فتح باب فردوسک الأعلی علی من فی ملکوت الانشآء و به ظهرت الصّیحة بین الأرض و السّمآء بأن تؤیّد اصفیائک علی ذکرک و ثنائک و تلهمهم ما اردته بعلمک ای ربّ لا تحرمهم عن بحر رضائک و لا تبعّدهم عن مکامن قربک ای ربّ لا تنظر الیهم بما عندهم فانظر الی سمآء جودک و غنائک و عجز خلقک و احتیاج عبادک انّک انت المقتدر الّذی خضع ملکوت القدرة عند ظهوره و بروزه لا اله الّا انت المعطی المقتدر العزیز الکریم البهآء علیکم و علی الّذین انجذبوا من حلاوة النّدآء اذ ارتفع بین الأرض و السّمآء و علی کلّ مقبل اقبل الی اللّه اذ اتی بسلطان مبین و الحمد للّه ربّ العالمین

خ‌ادم

فی ٢٣ ربیع‌الأوّل سنة ١٢٩٨

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ مه ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۵ بعد از ظهر